

متن پرسش

سلام علیکم استاد: تشکر از پاسخ دادن به سوالات، خداوند به وقت تون برکت بیشتر بدهد با توجه به سوال ۳۲۰۶۹ که خودم از شما پرسیدم و اینکه شما فرمودید نکات خوبی در آن هست، آیا درست تر آن نیست که ذوالقرنین را مولا امیرالمومنین علیه السلام بدانیم؟ و اگر حدیثی که در آن نوشتار آمده صحیح است چرا علامه طباطبایی رضوان الله علیه با استناد به این حدیث، ذوالقرنین را حضرت امیر ندانستند؟ امیرالمومنین در این حدیث فرمودن که من ذوالقرنین هستم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث در مورد جناب ذی‌القرنین به عنوان شخصی معین و متعین، غیر از آن است که در روایات داریم حضرت فرمودند: «كُنْتُ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ سِرًّا وَ مَعَ مُحَمَّدٍ جَهْرًا» [۱] با همه انبیاء سرّاً هستند و با حضرت پیامبر «صلوات الله علیه وآله» آشکارا. و به همین جهت جناب علامه متوجه تعین تاریخی جناب ذی‌القرنین بودند و آیه مربوطه نیز از همین زاویه مطلب را به میان آورده. و این غیر از حضور معنوی و تاریخی حضرت علی «علیه السلام» است. که در روایتی بدان اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «كُنْتُ وَلِيًّا وَ آدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ» من ولیّ خدا بودم در آن وقتی که آدم (علیه السلام) بین آب و خاک بود. موفق باشید

[۱] - سید جلال الدین آشتیانی، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم ابن عربی، ص ۶۶۸.